

غزه پیروز شده... و ننگ خیانت حکام ماندگار خواهد بود!

(ترجمه)

سپاس و ستایش از آن الله سبحانه و تعالی است که پیروزی را نصیب ما کرد؛ پیروزی طوفان الاقصی و پیروزی دیگری که با سقوط طاغوت شام رقم خورد. این دو رویداد مفاهیم بسیاری را در ذهن مردم - چه مسلمان و چه غیرمسلمان - دگرگون ساخت.

جهان با چشمان خود دید که چگونه گروهی اندک از مسلمانان محاصره شده در نقطه‌ای کوچک، که از یکسو در محاصره‌ی رژیم یهود و از سوی دیگر در تنگنای کیان‌های عربی و غیرعربی همجوار بودند، با طرح‌ریزی نبردی بزرگ، جهانیان را متوجه دروغ بودن افسانه‌ی «ارتش شکست‌ناپذیر» کردند. این نبرد، بار دیگر اعتماد را به دل‌های مسلمانان بازگرداند و پس از آن نیز خیزش شام، نظام جنایت‌کار را به شکلی ناباورانه سرنگون ساخت.

این پیروزی‌ها، پیام روشنی برای ما دارند: زمان آن رسیده است تا ما را بالا بزنیم، عزم‌ها را جزم کنیم و مسیر این دستاوردها را با بازگرداندن حاکمیت شرع الله سبحانه و تعالی و رهایی سرزمین‌ها از چنگال استعمار، به سرانجام برسانیم.

این را باید، برای الله سبحانه و تعالی، برای تاریخ و برای حافظه‌ی جمعی‌مان به روشنی اعلام کنیم؛ حقیقتی که هیچ مغرض یا انکارکننده‌ای نمی‌تواند فروغ آن را ببوشاند: آنچه در غزه تحقق یافت، نخست به فضل و عنایت الله سبحانه و تعالی بود، و سپس مرهون اراده‌ی برخاسته از سرزمین مبارک و مردمانی استوار آن. این پیروزی هرگز حاصل حمایت هیچ‌یک از حکام یا نظام‌هایی نبود که امروز یا در سکوت فرو رفته‌اند یا با اشغال‌گران همدستی می‌کنند.

غزه؛ گوهر فلسطین و نماد پیروزی:

غزه، این سرزمین آغشته به خون شهیدانش، این خاکی که پژواک قهرمانی‌ها از آن برخاسته، همواره در برابر ستم ایستاده و خیانت را به روشنی طرد کرده است. امروز نیز برای ما الگویی زنده است؛ الگویی از اینکه چگونه ملتی در محاصره‌ی کامل، با دستانی تهی اما با سلاح سبک و اراده‌ی استوار، می‌تواند در برابر ماشین جهنمی جنگی یهود و امریکا پایداری کند.

غزه پیروز شد؛ با وجود همه‌چیز. با وجود محاصره‌ی سنگین، با وجود سکوت و سستی حکومت‌های عربی و اسلامی و با وجود خیانت‌های سیاسی‌ای که زخم امت را در ژرف‌ترین نقطه‌اش نشانه رفت.

رژیم اشغال‌گری که سال‌ها مدعی برتری نظامی بود، امروز در جایگاهی قرار گرفته که هیچ حسادتی بر نمی‌انگیزد. سالیان طولانی اشغال و سرکوب، در برابر اراده‌ی مقاومتی فروپاشید که از صبری سترگ و عزمی شکست‌ناپذیر ساخته شده است.

غزه پیروز شد. کیان یهود شکست خورد و افسانه‌ی دروغین «ارتش شکست‌ناپذیر» فرو ریخت.

پیروزی غزه؛ پیامی به امت اسلامی:

امروز غزه، نماد پایداری، پیروزی و کرامت است. این سرزمین ثابت کرد که اراده و شجاعت مرزی نمی‌شناسند، و اشغال، هرچقدر هم که به درازا کشد، جایی در سرزمین مقدس نخواهد داشت. نسل‌های آینده خواهند دانست که این سرزمین همواره امید بوده و خواهد ماند، و پیروزی آن بدون تردید فرا خواهد رسید.

آنچه غزه در نبرد اخیر خود به دست آورد، در هیچ چارچوبی جز «پیامی به امت اسلامی» قابل تفسیر نیست. پیامی سرشار از چالش و اراده؛ پیامی خطاب به مسلمانان در سراسر جهان که بدانند پیروزی، نه در شعارها و وعده‌های توخالی، بلکه در گرو صبر، ایثار و فداکاری است. این پیام همچنین یادآوری می‌کند که تلاش برای تغییر باید بی‌وقفه ادامه یابد، و اشغال هرچند طولانی باشد، در فلسطین محکوم به زوال است.

نقش غزه در رویارویی با اشغال‌گر، نقشی است که با هر قطره خون ریخته‌شده، با هر جان فداشده در راه الله سبحانه و تعالی و با هر عزم شکست‌ناپذیری رقم خورد. غزه‌ای که روزگاری در محاصره بود و فرزندان قتل‌عام می‌شدند، امروز به نمادی از پیروزی بدل شده تا بارقه‌ای از امید را دوباره در دل امت اسلامی روشن کند، امتی که در سایه‌ی حکومت‌هایی فاسد، برای دهه‌ها از مسائل اصلی خود دور نگهداشته شد.

میان غزه و حکومت‌های فاسد

اما در کنار این پیروزی عظیم، نمی‌توان از نقش مخرب حکومت‌هایی چشم پوشید که ملت‌های خود را از یاری‌رساندن به برادرانشان در غزه بازداشتند؛ در حالی که الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَإِنِ اسْتَنْصَرُواكُم فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ﴾ [انفال: 72]

ترجمه: و اگر در دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شماست که آن‌ها را یاری کنید.

اما این‌ها همان حکومت‌هایی هستند که دیوارهایی میان امت و قضیه‌ای بزرگ آن کشیده‌اند؛ حکومت‌هایی که ملت‌ها را در زنجیر نظام‌های سکولار گرفتار کرده و آنان را از ریشه‌ی شان، یعنی اسلام، جدا ساخته‌اند.

همین حکام بودند که ثروت‌های امت را چپاول کردند، ملت‌هایشان را از جهاد فی سبیل الله بازداشتند و هدف آفرینش انسان را از یاد بردند. آنان، امت اسلامی را خوار کردند تا جایی که برای لقمه‌ای نان به بیگانگان چشم دوخت، در حالی که سرمایه‌هایش به دست دشمنان به تاراج رفته است. این‌ها همان حکام هستند که امروز سد راه حمایت واقعی از غزه و بازگشت به سوی برپایی دولت اسلامی شده‌اند.

تحریف اندیشه‌ی امت، وابستگی به غرب و خیانت پنهانی به فلسطین و واگذاری آن به اشغال‌گران یهود، همه از دل این حکومت‌ها برآمده است. آنان همان کسانی‌اند که مانع تحقق آرمان‌های امت می‌شوند و راه را بر بازگشت امت به مسیر حقیقی و تلاش برای برپایی خلافتی که رسول الله صلی الله علیه و سلم ما را به آن بشارت داده، بسته‌اند.

اسلام، تنها راه نجات است

سال‌هاست که حکومت‌های سکولار، زمام امور سرزمین‌های ما را در دست گرفته‌اند و قوانینی را بر ما تحمیل می‌کنند که هیچ نسبتی با باورها و احکام اسلامی ندارند. قانون اساسی‌ای که بر اساس آن ما را اداره می‌کنند، اسلامی نیست، بلکه برگرفته از نظام‌های سکولاری است که هرگز هدفشان گسترش ارزش‌های اسلامی نبوده است.

و به کسانی که —چه از میان سکولارها و چه از دیگران— مدعی‌اند اسلام در اداره‌ی حکومت شکست خورده است، می‌گوییم: خیر آقایان! این اسلام نیست که شکست خورده؛ این سکولاریسم است که در تمام زمینه‌ها ناکام مانده است. این سکولاریسم بود که امت اسلامی را در بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سرگردان ساخت. این همان تفکر است که ما را به فقر پایدار، ستم مزمن و بحران‌های پی‌درپی کشاند.

تا آنجا که امروز، برخی از همین حکام سکولار با وقاحت از «نظارت بر وضعیت غزه» سخن می‌گویند! اما سؤال اینجاست: کجا بودند این حکام وقتی که فلسطین زیر تیغ قتل‌عام بود؟ کجا بودند وقتی غزه در آتش نسل‌کشی می‌سوخت؟

در همان زمانی که دم از مخالفت با اشغال‌گران می‌زدند، در پنهان و آشکار، با رژیم یهود روابط برقرار می‌کردند. آنان شریک جنایات علیه ملت‌ها بودند و هنوز هم مانع بازگشت واقعی اسلام به صحنه‌ی سیاسی جهان اسلام‌اند.

این را همه بدانند: بازگشت اسلام حتمی است، به اراده‌ی الله سبحانه و تعالی، گرچه موانع بسیار باشد. پیروزی نزدیک است، به وعده‌ی الله سبحانه و تعالی. چنان‌که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مرکز ثبات مؤمنان، شام است».

دولت اسلام در راه است. خلافتی که پیامبر صلی الله علیه و سلم نوید آن را داده، باز خواهد گشت. این همان دولتی است که شریعت اسلام را بر پایه‌ی سنت نبوی اجرا خواهد کرد؛ دولتی که فلسطین را آزاد خواهد ساخت و قدس را به عنوان پایتخت خود بر خواهد گزید.

آری، روزها در بطن خود حامل شگفتی‌ها هستند؛ و پیش از تولد هر حقیقتی، درد زایش ناگزیر است. چنان‌که الله سبحانه و تعالی در کتاب خود فرموده است:

﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾

ترجمه: همانا همراه هر سختی آسانی است.

نوزاد در راه است و خلافت، به خواست الله سبحانه و تعالی نزدیک‌تر از آن است که گمان می‌رود.

این امت، برای زندگی در خواری و ذلت حکومت‌های ستم‌گر آفریده نشده است. این امت، امت حق و عدالت است. امتی که الله سبحانه و تعالی بر آن فرض کرده که به کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسولش صلی الله علیه و سلم حکم براند.

پس خود را برای آن روز آماده کنیم

اکنون وقت آن رسیده که آستین همت را بالا بزنیم، عزت از دست‌رفته‌ی خود را بازیابیم و شریعت الله سبحانه و تعالی را در تمام عرصه‌های زندگی‌مان - از سیاست و اقتصاد گرفته تا فرهنگ و جامعه - به کار ببندیم. همگی باید در مسیر آزادسازی سرزمین‌های‌مان از چنگال استعمار و خیانت و برای برپایی دولتی تلاش کنیم که اسلام را در درون سرزمین‌های اسلامی تطبیق کرده و در خارج از آن، از راه دعوت و جهاد گسترش دهد؛ همان‌گونه که رسول الله صلی الله علیه و سلم بشارت داده‌اند:

«ثم تكون خلافة على منهاج النبوة...»

ترجمه: سپس خلافتی بر منهاج نبوت خواهد بود...

همان‌گونه که الله سبحانه و تعالی در کتاب محکم خود چنین وعده داده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۗ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [نور:

ترجمه: الله به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت، و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.

بارالها، گشایشات را نزدیک گردان و ما را از زمره‌ی کسانی قرار ده که شایسته‌ی تمکین در زمین‌اند!

برگرفته از شمار 465 مجله الوعی چاپ شوال 1446ه.ق.

نویسنده: عبدالحمود عامری یمن

مترجم: محمد علی مطمئن